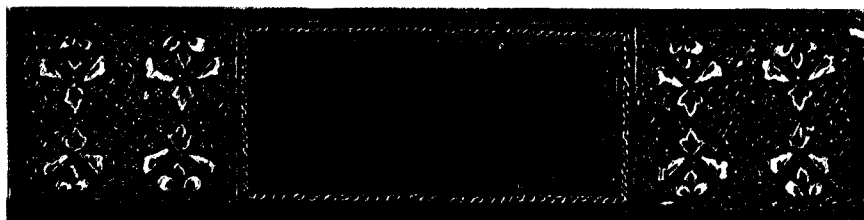


مجموعہ سالانہ فارسی و عربی دانشوران ایران

مسنون ایرانی

پرکش جوادی بیری



مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی
(از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر تیموری)

دفتر پنجم

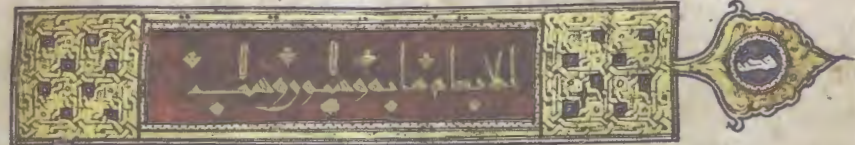
به‌کوشش
جواد بشری

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
تهران - ۱۳۹۷



سرشناسه	: بشری، جواد، ۱۳۶۳- گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: متون ایرانی: مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی (از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر تیموری) // به کوشش جواد بشری.
مشخصات نشر	: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ج: مصور، نمونه.
فروست	: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ ۳۱۰: ۳۴۰
شابک	: ۷۰۰۰۰۰ ریال: ۱: ۴-۰۷۵-۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ۱۵۰۰۰۰ ریال: ۳-۱۱۳-۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج: ۳-۱۵۲-۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج: ۴-۱-۲۸۷-۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج: ۵-۷-۲۹۸-۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فاپا
یادداشت	: ص.ع به انگلیسی: ... Javad Bashary. Motun-e Irani (Iranian texts)
یادداشت	: ج: ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیبا)
یادداشت	: ج: ۴-۵ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا)
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی (از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر تیموری).
موضوع	: نثر فارسی -- تاریخ و نقد
موضوع	: نثر عربی -- تاریخ و نقد
موضوع	: ادبیات فارسی -- تصحیح انتقادی
موضوع	: ادبیات عربی -- تصحیح انتقادی
موضوع	: دانشمندان اسلامی
موضوع	: دانشمندان ایرانی
شناسه افزوده	: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
رده‌بندی کنگره	: PIR۳۸۷۲/۵م۲ ۱۳۹۰:
رده‌بندی دیویی	: ۸۸۸/۸۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۹۵۳۷۸

از امت او نیز داشت گشادهای مختلف و همچنین مختلف بودند و یکی دیگر را داشت
 اما خدای متعال و متعالی که از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست
 و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست
 و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست
 و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست و بی شک از این نوع نیست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ
 الْمَظْهَرِ
 الْمَعْنَى
 الْمَعْنَى
 الْمَعْنَى



مقون ایرانی

(مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی
از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر تیموری)
دفتر پنجم

به کوشش: جواد بشری
(عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

ویرایش تصاویر: نسترن عرب

شماره انتشار: ۴۶۷

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۷

بهاء: ۷۰۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۲۹۸-۷

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه و
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام، نبش کوچه آجانلو،
ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم؛ تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@gmail.com

به نام صورت آرای معانی

نشر انتقادی آثار متقدم فارسی و عربی مربوط به حوزه تمدنی ایران، در کارنامه پژوهشگران معاصر این سرزمین جایگاه ویژه‌ای یافته و به فنی تبدیل شده است که هر از چندی آثار فاخر و پرزحمتی را به مخاطبین خویش عرضه می‌کند. خوشبختانه برخی از نسخه‌پژوهان این سرزمین در زمره دقیق‌ترین متخصصان شناخت آثار متقدم علمی، ادبی و فرهنگی در جهان به شمار می‌روند که با کند و کاو در میان آثار موجود در گنجینه‌های خطی، مسیر آینده پژوهشگران متن‌شناس را سمت و سو می‌بخشند. هر متنی که از لابلای مخازن کتب خطی یا موزه‌ها سر برمی‌آورد، در انتظار فردی دقیق‌النظر است تا آن را به بهترین شکل در اختیار پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار دهد. برای نمونه، هر برگ از تفسیری کهن، هر بیت از دیوانی کمترشناخته و پراهمیت، هر سطر از مجموعه منشآت از یک دستگاه حکومتگر، و هر صفحه از هنر دست و چشم‌نگارگری خوش‌ذوق، تا رسیدن به مرحله عرضه و نشر، مسیر طولانی‌ای را طی می‌کند که در صورت وجود نقص در این مسیر، خطر آن هست که در بوتۀ فراموشی و نسیان بماند و بسوزد. از این رو لازم است حساسیت مضاعفی درباره آثار مکتوب این حوزه تمدنی پربار داشته باشیم و این حساسیت را به نسل‌های آینده نیز آموزش و انتقال دهیم.

کتابخانه مجلس در واحد پژوهش خود، پذیرای طبع و نشر مجموعه «متون ایرانی» است که اینک به دفتر پنجم خود رسیده است. در این دفتر، سه اثر بسیار کهن در زمینه علوم قرآنی (دو ترجمۀ اصیل و قدیمی، که یکی متعلق به گنجینه کتب خطی مجلس است و بخش‌هایی از یک تفسیر که در ادامه تفسیر سورابادی نگاشته شده است)، یک کتاب دینی از نجم‌الدین نسفی و دو بخش از آثار دو عارف گران‌قدر (مرندی و محمد دیلمی) به صورت تصحیح‌شده عرضه شده است. البته دستنویس‌های این آثار، اغلب یگانه و به اصطلاح «تک‌نسخه»‌هایی مربوط به قرون پیش از نهم هجری هستند و

۶ متون ایرانی

بازخوانی آنها، چنانکه آشنایان به این فن می‌دانند، با دشواری‌های خاص خود همراه است. در انتهای این دفتر و در بخش «چاپ عکسی» نیز، بخشی از مکتوبات رشیدالدین وطواط، ادیب و شاعر برجسته سده ششم هجری آمده که به موضوعات ادب عربی و علوم قرآنی اختصاص دارد. همچنین، کتابشناسی آثار بهاءالدین ابومحمد طاهر قزوینی معروف به نجار، که او نیز در سده ششم هجری زیسته، به همراه چاپ عکسی بخشی از کتاب ارزشمند او در علم اصول، نقطه پایانی این مجلد است. در انتها برای دست‌اندرکاران تهیه این مجموعه، و یاران و همکاران خود در بخش «پژوهش» و «انتشارات» کتابخانه مجلس، آرزوی توفیق روزافزون دارم.

از محقق ارجمند، جناب آقای دکتر جواد بشری که با جدیت تمام، این مجموعه را فراهم و نظارت می‌کنند، سپاسگزارم.

سید علی عماد

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

✦ با احترام، تقدیم به ✦
(به ترتیب سال میلادی)

بدیع الزمان فروزانفر (۱۲۸۳-۱۳۴۹)

محمد دبیرسیاقی (۱۲۹۸-۱۳۹۷)

محمد امین ریاحی (۱۳۰۲-۱۳۸۸)

توضیح درباره تصاویر سرآغاز این دفتر و هر مقاله

□ «بسم الله» ابتدایی: برگرفته از دستنویس «ترجمة تفسیر طبری»، متعلق به کتابخانه «العتبة العلویة المقدسة» (نجف)، شماره پیاپی: ۶۲۸، شماره مخصوص: ۸/۲/۶۰۴، نسخه‌پردازی حدوداً از سده ششم هجری، آغاز سوره انعام.

□ کتیبه صفحه عنوان: برگرفته از دستنویس «مجموعه دواوین»، مؤرخ ۶۹۹ق، متعلق به کتابخانه چسترییتی (ایرلند)، شماره ۱۰۳، برگ ۲۷۱b

(The Chester Beatty Library, A Catalogue of the Persian Manuscripts and Miniatures, A. J. Arberry - M. Minovi - the late E. Blochet, ed. by the late J. V. S. Wilkinson, Dublin, Hodges Figgis & Co. Ltd, 1959, vol. I, plate 3)

□ شمسۀ مذهب آغازگر دو بخش اصلی: برگرفته از:

(Epic of the Persian Kings, The Art of Ferdowsi's Shahnameh, Barbara Brend and Charles Melville, Cambridge, The Fitzwilliam Museum, London - New York, Tauris, 2010, p. 102)

□ دایره آغاز هر رساله: برگرفته از دستنویس «مجموعه کلمات و اشعار علوی»، احتمالاً از اوایل سده هشتم هجری (کتابت شده به دست کاتبی فارسی زبان)، متعلق به کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی (قم)، شماره ۳۶۷۰، برگ ۷۴الف.

☆ فهرست مطالب ☆

- فهرست مطالب ۱۱
- دیباچه ۱۳
- بخش یک: متون تصحیح شده ۱۵
 - ۱. ترجمه جزء پنجم قرآن (تصحیح: اکرم السادات حاجی سیدآقای) ۱۷
 - ۲. عشری از اربعین (تصحیح: عبداللہ غفرانی) ۷۵
 - ۳. فضل الفقراء علی الاغنیاء (تصحیح: بهروز ایمانی) ۱۳۷
 - ۴. ترجمه سوره بقره (تصحیح: اکرم السادات حاجی سیدآقای) ۲۷۷
 - ۵. چند رساله از محمد دیلمی (تصحیح: فرزاد مروّجی) ۳۳۵
 - ۶. اشاراتی از اشارات التفسیر (تصحیح: امیرحسین آقامحمدی) ۴۹۱
- بخش دو: چاپ عکسی (نسخه برگردان) ۵۱۹
 - ۱. چند مکتوب از رشید وطواط (بخط مجتبی مینوی) ۵۲۱
 - ۲. سراج العقول فی منهاج الاصول (مقدمه: حسن انصاری) ۵۳۹

دیباچه

بنام خداوند بخشایشگر مهربان

دفتر پنجم «متون ایرانی»، مشتمل بر هشت بخش است که شش بخش از آن در قسمت «متون تصحیح شده» و دو بخش دیگر ذیل «چاپ عکسی (نسخه برگردان)» به خوانندگان ارجمند این دفتر عرضه خواهد شد.

الف: متون تصحیح شده:

۱. ترجمه جزء پنجم قرآن، دستنویس ۲۰۰۲ مجلس: که ترجمه کهنی از یک جزء قرآن به فارسی، متعلق به حدود اوایل سده ششم هجری، یا حتی پیش از آن، است. مصحح محترم، مقدمه‌ای در بیان ویژگی‌های زبانی و مختصات نگارشی و کتابتی دستنویس مبنای تصحیح، تهیه کرده است که بر ارزش پژوهش ایشان می‌افزاید. همچنین فهرستی برای واژگان و معادل‌های مهم این ترجمه، در انتهای مقدمه تعبیه شده است.

۲. [عشری از اربعین]: اثری به فارسی از نجم‌الدین ابوحفص عمر نسفی سمرقندی (۵۳۷ق)، فقیه و دانشمند دینی مشهور ماوراءالنهر، که بخش اندکی از آن در یک دستنویس، محفوظ در کتابخانه انستیتو شرق‌شناسی تاجیکستان، شماره ۱۳۵۹، نهایتاً کتابت شده در اوایل سده نهم هجری، برجای مانده است. اصل اثر، در شرح و توضیح یک حدیث بلند نبوی، به روایت سلمان فارسی بوده که حاوی بیان چهل مطلب از آداب و احکام دین می‌شده است. مصحح گرامی، با کشف بخش حاضر از این اثر کمترشناخته فارسی، به بازخوانی دقیق آن پرداخته و مقدمه مفیدی نیز برای آن مرقوم کرده است.

۳. فضل الفقراء علی الاغنیاء: اثری به فارسی متعلق به حدود نیمه سده ششم هجری یا پیش از آن، در موضوع داستان‌های صالحان و مشایخ صوفیه، که یکی از فضلی کمترشناخته‌شده منسوب به «مروند»، ابوبکر بن محمد بن حسین مروندی (زنده در ۵۴۲ق)، آن را در سیزده باب پرداخته و تاکنون تنها یک دستنویس از آن، متعلق به مجموعه «گدیک‌احمدپاشا» ی ترکیه، به شماره ۱۸۲۶۷، مورخ ۸۸۶ق، شناسایی شده است. مصحح محترم، علاوه بر بازخوانی دقیق متن، مقدمه فاضلانه‌ای نیز در معرفی این اثر و فعالیت‌های نگارشی مروندی مرقوم فرموده است.

۴. ترجمه سوره بقره، دستنویس شماره ۲۰۵۳ کتابخانه آستان قدس رضوی: در میان قرآن‌های مترجم مشهور کتابخانه آستان قدس (مشهد)، دستنویس ۲۰۵۳ به سبب قدمت و ارزش‌های زبانی، مورد توجه مصحح قرار گرفته که در این مجال، ترجمه سوره دوم قرآن را مورد بازخوانی دقیق قرار داده است. امید است در دفاتر بعدی، بتوان سایر بخش‌های این برگردان کهن را، که احتمالاً به سده ششم هجری تعلق دارد، عرضه کرد.

۵. چند رساله از محمد دیلمی: از میان آثار متعددی که صوفی پرکار و کمترشناخته سده ششم هجری، محمد دیلمی، به فارسی و عربی از خود برجای گذارده، در این بخش چندین اثر به صورت کامل یا منتخب، بر اساس دستنویس‌هایی از کتابخانه‌های چستربیتی (ایرلند)، سلیمانیه (مجموعه شهیدعلی‌پاشا- ترکیه) و ملک (تهران)، تصحیح شده است که عبارتند از: گزیده «المسائل الملمّعة»، برگه‌ای از «مرآة الأرواح»، گزیده «محک النفس و مرشد المحجوب»، «مهمات الواصلین» و بخشی از «جواهر الاسرار». مقدمه سودمند مصحح حاوی مطالب پراهمیتی پیرامون آثار این صوفی دیلمی و احوال اوست.

۶. اشاراتی از اشارات التفسیر: «اشارات التفسیر فی بشارات التذکیر»، تلخیصی از تفسیر سورابادی، به دست تلخیص‌کننده‌ای گمنام و متقدم، تهیه شده که دستنویسی مورخ ۶۹۴ق از آن در دارالکتب قاهره برجای مانده است. تلخیص حاضر، حاوی مطالب پرافزوده‌ای نیز هست که در اصل سورابادی دیده نمی‌شود و در این مجال بر اساس تصویر ناواضع موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بازخوانی گردیده است.

ب. آثاری که به صورت «چاپ‌عکسی (نسخه‌برگردان)» منتشر شده است:

۱. چند رساله/ مکتوب از رشیدالدین وطواط: مجتبی مینوی در ایام اقامت در انگلستان، با دستنویسی از یک مجموعه خصوصی (مجموعه پلشاه)، مورخ ۷۰۱ق روبرو شد که در بخشی از آن، رسائل و مکتوباتی به‌عربی در موضوع ظرائف زبان تازی و تفسیر، از رشیدالدین وطواط کتابت شده است. سواد که مینوی از آن بخش برای خویش برداشته، به‌همراه چند توضیح او، اینک در کتابخانه وقفی او نگهداری می‌شود که تصویر آن در این بخش عیناً عرضه گردیده است.
۲. سراج العقول فی منهاج الاصول: اثری در عقاید و کلام، از بهاءالدین ابومحمد طاهر بن احمد قزوینی مشهور به نجّار، متکلم پرکار و کمترشناخته سده ششم هجری، به زبان عربی، که دستنویس‌هایی از آن برجای مانده است. بخشی از این اثر، به‌ضمیمه توضیحات ارزنده و تازه‌ای متعلق به کاشف آثار نجّار قزوینی در روزگار ما، همراه با تصاویر منتخبی از چند رساله دیگر این متکلم قرن ششم هجری، چاپ عکسی شده است. در خاتمه دستنویس بسیار کهن کتابخانه ایاصوفیا (استانبول) از سراج العقول، که مبنای چاپی عکسی حاضر است، مطالب ارزنده‌ای نیز پیرامون آثار نجّار قزوینی به قلم خود او وجود دارد.

در انجام این دفتر، از لطف دوستان عزیزی که آثار ارزشمند خویش را به مجموعه «متون ایرانی» سپردند، به‌ویژه عزیزی که نتیجه پژوهش‌های خویش را سالیانی پیش‌تر مرحمت کردند، تشکر و قدردانی شود. از سرکار خانم نسترن عرب نیز که ویرایش تصاویر و قرار گرفتن آن‌ها در جای خود، نتیجه کاردانی ایشان است، سپاسگزارم. تشکر و آفرین نهایی، نثار سروران عزیز در مرکز پژوهش کتابخانه مجلس، جناب استاد بهروز ایمانی، و دکتر امید سروری خواهد بود. همچنین از لطف و عنایت تمامی اعزّه شاغل در این بخش، به‌ویژه مدیریت فاضل بخش پژوهش، و ریاست محترم کتابخانه مجلس، قدردانی قلبی به عمل می‌آید.

بخش یک
متون تصحیح شده



ترجمه جزء پنجم قرآن (قرآن شماره ۲۰۰۲ کتابخانه مجلس)

از: مترجمی ناشناس (احتمالاً اوایل سده ششم هجری)

تصحیح: اکرم السادات حاجی سید آقایی^۱

سرآغاز

نسخه شماره ۲۰۰۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای است از جزئی از یک دوره اجزاء قرآن کریم با ترجمه کهن فارسی. نام مترجم و یا کاتب و مکان و زمان ترجمه و نیز کتابت نسخه روشن نیست. بنابر تحقیق مرتضی کریمی نیا (۱۳۹۶، صص ۷۱-۱۲۰)، این نسخه، بخشی از یک قرآن مترجم کهن است که در اوایل قرن ششم هجری در تملک خانمی به نام خراسان بنت ابی القاسم بن علی بن مانکدیم بوده است. در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ج ۶، ص ۲) در معرفی این نسخه آمده است:

«شامل جزء پنجم از آیه ۲۸ سوره النساء تا آیه ۱۴۶ از همان سوره ترجمه آیات به انشائی کهنه که سبک آن اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ را می‌رساند. بین السطرين نوشته شده. ظاهراً این نسخه از مصحفی بوده است شامل چندین مجلد که هریک شامل چند جزء از جزءهای قرآن بوده است»

۲۰/۵ در ۱۶ سانتی متر. ۹۵ صفحه هر صفحه پنج سطر متن، ده سطر ترجمه^۱. متن به خط نسخ پیش از یاقوت بسیار جلی و تشدیدها و مدها را با زرنگار و لاجورد نوشته و نقطه‌هایی از شنگرف بالای سطرها گذاشته‌اند. ترجمه خط نسخ ریزتر. دو صفحه اول دو سرعشر خانه‌خانه‌دار از طلا و سرنج و لاجورد دارد. در حواشی در سرحزب‌ها ترنج‌هایی از لاجورد و سرنج و طلا ساخته‌اند در موارد وقف دایره‌های کنگره‌دار از شنگرف و طلا و لاجورد ساخته‌اند که در میان آنها به سفیداب حروف مقطع الفبا را نوشته‌اند. بعد از هر آیه ترنج کوچکی از شنگرف و طلا کشیده‌اند. کاغذ اصفهانی رگه‌دار بی‌آهار شکری. خط و کاغذ و تذهیب و رسم الخط معمول اوایل قرن هفتم. جلد میشن خرمایی ضربی ساخت آسیای صغیر».

این نوشتار به بازنویسی و بیان شماری از ویژگی‌های زبانی نسخه مذکور می‌پردازد. در نقلِ شواهد نیز -برای پرهیز از طولانی شدن مقاله- به یک و در موارد مهم به دو یا سه شاهد بسنده شده است.

نکات اساسی درباره رسم الخط متن

«آ». در همه موارد پی‌مَدّ نوشته شده است: انک ۱پ، ازاذ ۲پ، انان ۳پ.

در مواردی دنباله برخی از الف‌های پایانی متصل به حرف قبلی، بیش از حد معمول به سمت پایین کشیده شده است: ما: ۴؛ ما: ۵؛ ما: ۵.

«پ». به دو صورت کتابت شده است: الف- به شیوه نگارش نسخ کهن، با یک نقطه: باک‌کرده
 ۱۴پ، واپسین ۱۵پ، ب- بدون نقطه: شش (=پیش) ۳پ.

«ج». به دو صورت نوشته شده است: الف- در بیشتر موارد، طبق رسم الخط نسخ کهن، با یک نقطه: برانج ۱۳، جون ۱۴، چیز ۱۴، ب- بدون نقطه: حن (= جن = چون) ۱۹، پ.

«چه» در این نسخه به شکل های «ج، جه» کتابت شده است: هرج ۱۲، جنانج ۱۱، جه ۴۸ پ. در این متن، آنچه، هرچه، چنانچه در همه موارد به صورت آنچه، هرج، جنانج آمده است.

۱. برخلاف آنچه در فهرست کتابخانه آمده است، این متن دربردارنده آیات ۲۴ تا ۱۴۷ سوره نساء (برابر با جزء پنجم قرآن) است. به استثنای برگ ۱ و ۴۸ در هر صفحه ۱۰ سطر (۵ سطر آیات و ۵ سطر ترجمه فارسی) نوشته شده است.

«ح». در برخی کلمات در زیر یا در دل آن معمولاً نیم‌دایره کوچکی به این شکل «۵» می‌گذارد:

وجلازکد، پ، جسد، پ، حکمة، پ، جاضر، پ، صلح، پ؛ و در مواردی اندک، ح بسیار

کوچک و ریزی در زیر آن دیده می‌شود: حبه، پ، ورجه، پ.

«د». صامت د در بیشتر موارد با داشتن یک نقطه در زیر، از صامت ذ متمایز شده است:

دعوي، پ، دور، پ، اما در مواردی نیز بدون نقطه آمده است: دانائر، پ، دراوردني، پ.

«ر». صامت ر در بیشتر موارد با داشتن یک نقطه در زیر مشخص شده است مانند: کردند، پ، در

۲۵، استوار، پ، اما در مواردی نیز بدون نقطه آمده است: کار را، پ، اگر، پ.

«ز». با سه نقطه نوشته شده است: بزه، پ، مژه، پ، ویژه، پ.

«ذ». در اکثر قریب به تمام موارد، قاعده ذال معجمه رعایت شده است: خذای، پ، و به‌ندرت

بدون نقطه آمده است: هستيد، پ.

«س». در کلمات فارسی در بیشتر موارد، به شکل رایج امروز کتابت شده اما در سه مورد فارسی و

تمام موارد کلمات عربی با سه نقطه زیر نوشته شده است: پیامان، پ، بسپنده، پ، نگونپار، پ،

کسپوا، پ، پسیلا، پ.

«ش». به دو صورت نگاشته شده است: الف - مطابق رسم الخط رایج امروز با سه نقطه: شما، پ،

همیشه، پ، ب - بدون نقطه: سنوا، پ، سذني (= شدنی)، پ.

«ص». صامت «ص» در آیات با یک نقطه در زیر از صامت ض متمایز شده است:

النجینات، پ، اضف، پ.

«ط». صامت «ط» در مواردی با یک نقطه در زیر مشخص شده است: کطاعت، پ،

صراطا، پ.

«ع». در برخی کلمات در زیر صامت «ع» علامت نیم‌دایره یا «ع» کوچک و ریز و گاه نیمه دیده

می‌شود: عتد، پ، شفاعة، پ، غانن، پ.

۲۰ متون ایرانی

«گ». این حرف در همه موارد مانند کاف تازی نوشته شده است: زنا کنندگان ا.پ.

«ی». این حرف اعم از صامت یا مصوت عموماً با دو نقطه زیر (در اکثر موارد افقی و در مواردی اندک عمودی) به صورت های «ی»/ «پ»/ «ی»/ «پ» کتابت شده است: دعوی ۱۵ پ، خدای ۱۸ پ، و نیز در کلماتی مانند کنه خواهند پ، خدای ۲۹ پ، می خواهند پ و در مواردی معدود، بدون نقطه، مطابق رسم الخط متداول امروز: مزدی ۱۹ ر.

«ضمه» به دو شکل در این متن کتابت شده است: الف - مطابق رسم الخط متداول امروز: ۲؛ ب - با

علائمی بدین شکل: «^۱» و «^۲»: ^۱کند، ^۲کند، ۳۱ پ.

در باره کلمات مختوم به هاء غیر ملفوظ نکات زیر گفتنی است: در جمع بستن با نشانه جمع -ها به دو صورت کتابت می شوند: الف - با یک «ه»: خواستها ۱ پ، ب - با دو «ه»: بستر جایگاهها ۶ پ، پایگاهها ۳۰ پ. و به هنگام اضافه شدن به کلمه بعدی بدون هیچ گونه علامت نوشته می شوند: همسایه خویشان و همسایه بیگانه ۷ پ، حسته خرما ۱۲ پ، جمع کننده منافقان ۴۵ ر.

در یک مورد صفت مفعولی بدون های غیر ملفوظ نوشته شده است: واجب کرد (= واجب کرده): گفت فراگیرم از بندگان تو بهره واجب کرد^۲.

«ی» نکره پس از کلمات مختوم به «ه» به صورت های زیر می آید: الف - به صورت «ه» پس از کلمه: بهره ۴ ر، نقطه ۱۳ پ، گرویده ۲۷ ر، بزه ۳۵ ر. ب - بدون هیچ نشانه ای: بهره است (ترجمه نصیب) ۵ پ.

«ی» نکره به سه صورت در متن آمده است: الف - به صورت «ی»: داوری ۶ ر، ب - به صورت «ه»:

بهره از کتاب ۱۰ پ، ج - به صورت «ی»: مزدی بزرگ ۱۸ پ، اندوهی ۱۸ ر.

۱. نشان دادن ضمه بدین شکل در الاینیه نیز دیده می شود برای نمونه ضمه در کلمه «دوم» در برگ ۵۳ ر، سطر ۸، به صورت «دوم» و در برگ ۱۳ ر با علامت «ه» و به شکل «دوم» ثبت شده است (نکته: در مثال دوم از الاینیه، «د» نیز به صورت د آمده است).

۲. مفروضاً.

«ة»: کلمات عربی مختوم به تاء گرد به سه شکل آمده است: الف- با املای عربی: عزة ۴۵پ. ب- به صورت های غیر ملفوظ: هجره کنند ۲۵ر، ديه ۲۷ر، زکوه ۲۰ر. ج- با تاي کشيده: ديت ۲۸پ، هجرت کرديد ۳۰ر.

در اين نسخه صامت میانجی به دو صورت «ی» و «ء» دیده می شود: کجای ایشان دوزخست و بدست جای ایشان ۳۱پ، بسوی خدای ۳۱ر، جستن رضای خدای ۳۷پ، ایشان اند کجای ایشان دوزخست ۳۹پ، بخواستهای شما ۱پ، دستهای شما ۲پ، نامهای او ۴۴ر، در مواردی نیز صامت میانجی نیامده است: کاوینها ایشان ۱ر، سراپها شما ۱۷ر، پهلوتوست ۷پ.

از موارد قابل توجه کاربرد نیکوء (=نیکویی) ۱۶پ، ۲۱ر؛ بهشتها (=بهشتهایی) ۳۹پ است.

در یک مورد در انتهای واژه مختوم به «و» یک الف غیر ملفوظ آمده است: بنیکوای ۲ر.

حرف اضافه «به» به جز یک مورد، در سایر موارد به کلمه پس از خود چسبیده است:

بزنی کند ۲پ، بشما ۴پ، نه می گروند بخدای ۷ر، داوری کنید^۱ به بت ۱۵ر. در ضمن در مواردی همانند صورت کهن^۲ با ذ آمده است:

بدان ۱ر، بدانج ۵ر، بدیشان ۸پ، بدو ۱۳پ، بدایشان ۲۱ر.

پیشوند فعلی «ب» در همه موارد به فعل پس از خود چسبیده است: بترسذ ۳پ، بیافرید ۳ر، ببرهیزید ۴ر.

حرف نفی «ن» به دو صورت متصل و منفصل نوشته شده است: ستم نکند ۸پ، بنهان نکنند ۹پ، نه توانذ ۲پ، نه بینی ۱۰پ، نه می گروند ۱۱پ، نه دهند ۱۳پ، نه باز گذاشتی ۲۱پ، نه کرد ۲۶ر، نه می پوشند ۳۵پ.

«که» در این نسخه به شکل های، ک^۱، ک، که نگاشته شده است: آنک ۱پ، هرک ۴پ، باک کرده ۱۴پ، کخدای ۱۲پ، کبا ۱۱پ، انان که ۱۳ر. در مواردی «ک» مطابق رسم الخط قدیم به کلمه بعد از خود چسبیده است: کبر پشت ۱۳پ، کبد هیم ۱۹ر، کنه خواهند کدریاوندی ۲۲پ، کباشذ ۳۵ر.

^۱ کذا به جای داوری کنند.

^۲ «به» در پهلوی pad است و d پس از مصوت، ذال خوانده می شده است.

۲۲ متون ایرانی

در این متن کلمات آنکه، چنانکه در همه موارد به صورت آنک، چنانک آمده است.
در برخی کلمات همزه آغازی کلمه کتابت نشده است: ازو ۴ر، ۱۳پ، ۳۰پ؛ بذیشان ۸پ، ۹پ؛
بریشان ۲۲ر، بذو ۱۳پ، ازین ۲۰پ.

واژگان مشکول نسخه

- در این متن چندین کلمه مشکول دیده می شود، نکات مهم در این باره به شرح زیر است:
- ۱- تلفظ تعدادی از این کلمات قدیمی است و با اصل پهلوی واژه ها مطابقت دارد یا بدان نزدیک است. این واژه ها بدین قرارند: جُذاپ، جُذ از ۱۳ر و موارد دیگر؛ نه تُوَاند ۲پ، تُوَاند ۲۳ر، تُوَنا ۲۴ر، تُوَنا ۴۳پ؛ چُنانک ۱۹پ.
 - ۲- برخی از واژه های پرکاربرد، با تلفظ امروزی ما، دارای اعراب هستند مانند:
بازشاهست، ۱پ، بزنی کُند ۲پ، زناکُندگان ۲ر، باشند ۲ر، درنه اندیشند ۲۳پ، ساختند، ۴ر، ۵پ؛
می پوشند ۳۵پ، ازخُشَنودی از شُما ۴پ، گذاشت ۵پ، خویشان ۵پ، خُرد ۸ر، تُرا بر اینان گُواه ۸ر،
بیغامبر ۸ر، بنهان نَکنند ۹پ، سَفر ۹ر، حَادث کردن ۹ر، شُدد ۱۰پ، گُفتندی ۱۰ر، باشد ۲ر، ۱۲پ،
۴۳ر، خواهذ ۱۱ر، می خواهذ ۱۵ر، بنویسد ۲۳پ، کافتد ۳۲پ، پاینده تر ۱۱پ، روزه داشتن ۲۸پ،
تَن ۳۰پ و

- ۳- در برخی کلمات مختموم به «ه»/«ه» (های غیرملفوظ) حرف ماقبل آخر با فتحه ضبط شده است، مانند پاکیرَه ۲ر، آمرزنده^۱ ۹ر، کرده ۱۱ر، همیشه ۱۴پ و ۳۹پ، همیشه سایه ۱۴پ،
رسیده ۱۶ر، باندیشه ۲۳ر، حسّه خرما ۴۰پ، ستوده ۴۲ر.

۴- مصوت های معروف و مجهول:

در تعدادی از کلمات نسخه حاضر یای مجهول با فتحه روی حرف قبل از آن و واو معروف با ضمه بالای «و» یا حرف قبل از «و» و یای معروف با کسره زیر حرف قبل از «ی» نشان داده شده است:

۱. در اتصال به کلمه قبل.

۲. «آمرزیده» نیز خوانده می شود:

ترجمه جزء پنجم قرآن (قرآن ۲۰۰۲ مجلس) ۲۳

مصوت *ā* در یک کلمه، همانند اصل قدیم ترش، باقی است: بُوذی ۱۱پ، در یک مورد قبل از «ی» در شناسه فعل، فتحه آمده که نشان دهنده باقی ماندن مصوت *ē* است: برفتید ۳۲پ. مصوتهای مجهول *ō* و *ē* در برخی از کلمات که در اصل دارای مصوت مجهول بوده‌اند، به مصوت‌های معروف *ā* و *i* تبدیل شده‌اند. می‌گویند ۱۰پ، ۲۰پ، ۲۳پ، و نیز گویند ۱۵پ، ۲۱پ، ۴۶پ، گور ۱۶پ؛ زویها ۱۱پ، دوزخ ۱۳پ، تو ۱۵پ، ۲۰پ، ۲۲پ، ۳۶پ معرف تلفظ *ā* و ضبط‌های باشید ۱پ، مکشید ۴پ، باشید ۹پ، دیه ۲۰پ، چیزی ۱۴پ، بینی ۱۵پ و دیو ۲۰پ معرف تلفظ *i* است.

۵- مصوت میان‌هشته:

در دو کلمه مصوت میان‌هشته دیده می‌شود: بدیها شما ۴پ، فتنه ۲۷پ.

۶- حرف اضافه به:

حرف اضافه «به» (در پهلوی: *pad*) در دو مورد مفتوح و در سایر موارد بی‌حرکت است:

بنگر بما ۱۰پ، بسوی ۳۱پ.

۷- صورت‌های تحول یافته:

در نسخه حاضر چند کلمه وجود دارد که تلفظ آنها از صورت اصلی دور شده است: سوگند

می‌خورند ۱۶پ، خدای ۱۳پ.

تحولات آوایی

-حذف: حذف به اشکال زیر در متن حاضر وجود دارد:

حذف *a* آغازی: ز: جدز (= جزاز) ۲۳پ؛ جدز (= جزاز) ۴۵پ؛

حذف *d* پس از *i* (در قدیم: *ē*) در شناسه دوم شخص جمع^۱: نزدیکی مکنی (=مکنید)، در ترجمه

لاتقربوا ۹پ، پس‌روی کردی شما، در ترجمه لَا تَبْعُثُمْ ۲۴پ، دوگروه شدی (=شدید) ۲۵پ، بگرویدی

۱. برای شواهد بیشتر رک. صادقی و حاجی‌سیدآقای ۱۳۹۰، ص ۲۷.

(=بگرویدید)، در ترجمه آمَنُوا ۲۹پ، می جویی (=می جویید)، در ترجمه تَبَتَّغُونَ ۲۹پ، بودی (=بودید)، در ترجمه کُنْتُم ۳۰ر.

حذف n پس از مصوت بلند^۱: ای (=این): ای جهان ۱۹ر، ۲۱پ، ای گروه ۲۲پ.

حذف n در شناسه سوم شخص جمع^۲:

داوری کنید به جای داوری کنند: می خواهند که داوری کنید به بت ۱۵ر؛

نه یاوید به جای نه یاوند: پس نه یاوید (اصل: نه اوید) در تنها ایشان تنگی از آنج تو حکم کنی ۱۷پ؛

برگردید به جای برگردند: خواهد آنان که کافر شدند اگر غافل شویذ از سلاحهء شما و کالاهاء شما تا

برگردید بر شما یک برگشتن ۳۳پ؛

افسوس کنید به جای افسوس کنند: چون بشنویذ شما حجتها خدای کافر شوند بدان و افسوس کنید

بدان مه نشینید با ایشان تا درشوند در حدیثی جذزان ک شما آنگاه مانند ایشان باشید ۴۵ر.

حذف ۲ پس از مصوت بلند^۳: کارزا (=کارزار): آنانک بگرویدند کارزا می کنند در راه خدای ۲۰پ.

حذف (ی) نکره^۴: مزد بزرگ ۸ر، در مقابلِ مزدی بزرگ ۱۸پ، در ترجمه أَجْراً عَظِیْماً؛ یار

(یاری) ۱۲ر، در مقابلِ یاری ۲۰پ، در ترجمه نصیراً؛ گردن گرویده ۲۷ر، در مقابلِ گردنی گرویده، در

ترجمه رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۲۸پ و موارد دیگر؛ اندک ۴۷پ، در مقابلِ اندکی ۲۴پ، در ترجمه قَلِیْلاً.

^۱ در باره حذف n باید گفت: «بعد از مصوتهای بلند عنصر دندانی n به تدریج ضعیف و بعداً حذف شده، ولی ویژگی دماغی آن به مصوت قبل از خود منتقل شده است» (رک. صادقی ۱۳۸۳، ص ۷).

^۲ در توضیح این مطلب باید گفت شناسه سوم شخص جمع در پهلوی، -end است (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۷۴). شناسه -ید (-ēd/-īd) که در مثالهای بالا ذکر شد، صورت تحول یافته -end است. تبدیل nd به d به این صورت بوده که تلفظ دماغی یا غنه n قبل از d و بعد از مصوت به تدریج حذف شده است. بنابراین شناسه سوم شخص جمع یعنی -end با حذف n به صورت -ēd و سپس در مرحله بعد به -īd بدل شده است (برای شواهد از متون دیگر رک. صادقی و حاجی سیدآقای ۱۳۹۰، صص ۳۷-۳۹ و نیز حاجی سیدآقای ۱۳۸۹، صص ۱۳-۱۵).

^۳ شواهدی از حذف صامت [r] در تعدادی از کلمات فارسی و گویشی در دست است که نشان می دهد پدیده حذف [r] در جایگاه پس از مصوت (کوتاه و بلند) و میان مصوتهای رخ می دهد. (نک: حاجی سیدآقای ۱۳۸۷، صص ۷۵-۸۴).

^۴ در این نسخه موارد متعددی از این کاربرد (نشان ندادن یای نکره با نشانه خاصی) دیده می شود. در توضیح این مطلب باید گفت: در برخی نسخه های مکتوب قرن های چهار و پنج نشانه خاصی برای یای مجهول وجود داشته و آن به صورت «ی» بوده است که در بالای آن الف مدّی کوتاه وجود داشته است و نمونه های آن را در تفسیر قرآن پاک می بینیم؛ اما گاهی اوقات این

حذف واو عطف: در ضمن در نوشتار حذف واو عطف دیده می‌شود: تیمم کنید بخاک نرم خوش پاک‌ر،

که خدای هست دانا درست‌کار درست‌گفتار ار، در مقابل: خدای داناست راست‌کردار و راست‌گفتار ۳پ؛ که خدای هست ارجمند راست‌گفتار راست‌کردار ۱۳ر و شواهد دیگر.

-ابدال: صورت‌های مختلف ابدال حروف در این متن دیده می‌شود که ذیلاً به ارائه آنها می‌پردازیم:
«ه» به «خ»: خسته (=هسته) ۱۳پ؛

«ب» به «و»: وایید ۲۶ر، رنج می‌یابید ۳۴پ و موارد دیگر، در مقابل نه‌یابید ۹ر؛ و«ا» (=با) ۱۸پ؛ وی‌گناهی (=بی‌گناهی) ۳۶پ؛ واپسین ۱۵پ، ۴۴ر؛ وی‌راهی ۲۰ر.

-تخفیف: تخفیف به اشکال زیر در متن مورد استناد دیده می‌شود:

تخفیف â (در قدیم â) : رستخیز ۸پ، ۲۵پ؛ ر(=را) : بازگردانیم آن^۱ بر پشته‌ها ۱۱پ و ۱۱ر، خدای نگون‌سپار کرد ایشان ۲۵پ، بکشید ایشانرا هرکجا یابید ایشان ۲۷پ؛ تونا: هست خدای بر همه چیز تونا ۲۴ر.

تخفیف ò به o : جن(=چن): بمرگردید همه میل کردنی تا بگذارید آن زنانرا جن آویخته ۴۱ر و ۴۲پ، جن نبود[م] با ایشان حاضر ۱۹پ، جن (=فَإِذَا) آرام گرفتید و ایمن شدی پپای داری^۲ نماز را ۳۳ر. در مقابل جون (=چون) ۲۰ر، ۲۲ر و موارد دیگر.

نشانه وجود نداشته و آن را با علامت کسره نشان می‌دادند. این مطلب، نشان می‌دهد که در بعضی مناطق پای نکره (ē) مخفف می‌شده و e تلفظ می‌شده است (صادقی ۱۳۸۴، ص ۵۴) در ترجمه و قصه‌های قرآن و در لسان‌التنزیل نیز ما شاهد مواردی هستیم که در زیر آخرین حرف واژه‌ای که به پای نکره متصل می‌شده، کسره آمده است؛ اما در بعضی متون ظاهراً پای مجهول مخفف را فقط در تلفظ می‌آوردند و مکتوب نمی‌کردند و به نظر می‌رسد موارد فوق از این دست است.

^۱. کاربرد «ر» به جای «را» در تعدادی از متون کهن فارسی دیده می‌شود و تلفظ آن احتمالاً «(r)» یا «(ri/e)» و یا «(rə)» و شاید «(r)» (ru/o) بوده است (صادقی ۱۳۸۵، ص ۳۵۲)

^۲. = ایمن شدید پپای دارید.

-اضافه:

اندرآرند (=اندرآریم، ترجمه نصلیه): زود بود که اندرآرند او را در آتش ۴پ.

تحول روی داده در این کلمه بدین صورت است: em ← ēn ← end - (رک. صادقی و حاجی سیدآقای ۱۳۹۰، صص ۲۲-۲۴).

اضافه شدن «ه»: عهد (=عهد): گروهی که میان شما و میان ایشان عهده (=میثاق) است اگر آیند بشما تنگ شده باشد دلها ایشان ۲۶پ.

در توضیح این مطلب باید گفت در بعضی از متون کهن در پایان شماری از کلمات، مصوت‌های ے، ِ و ۛ دیده می‌شود؛ مانند: بفرستادَ (قصص الانبیا، نسخه عکسی، گ ۲b)؛ بُماندَ (همان، گ ۱۵۳b)؛ گفَتَ (همان، گ ۲b)؛ مُشکَ (همان، گ ۹۷a)؛ خِشُم گیرند (فرهنگنامه قرآنی، ۱۰۶۹/۳، قرآن ۲۲)، دَسْتِ (همان، ۸۷۵/۲)؛ خِشُم (همان، ۱۰۶۹/۳، قرآن: ۸۱)، دِیُو (میدانی، السامی فی الاسامی، ۶۴، س ۶) (برای شواهد بیشتر نک: حاجی سید آقایی ۱۳۸۹، صص ۷۲-۷۴).

از این ضبط‌ها، وجود یک مصوت خنثی ې در پایان کلمه، حدس زده می‌شود که در مرحله بعد به مصوت‌های ے (a)، ِ (e)، در آوانویسی قدیم: i، ۛ (o)، در آوانویسی قدیم: u تبدیل شده است. اما در تعدادی از متون این مصوت با «ه» و یا با «ا» نشان داده شده است، «عهد» به جای «عهد» از این دست است. به عنوان مثال چند شاهد از متون دیگر نقل می‌شود:

«آرنجه» به جای «آرنج»: این حرکت آرنجه جزوی است از حرکات دست و حرکات دست بجمله جزویست از حرکات همه تن (اخوینی بخاری، هدایة المتعلمین، ص ۳۹) و نیز در ص ۶۵: چن به پیوند آرنجه برسند هر دورگ یکی شوند، شاخی از میان هردو برخیزد و آن شاخ را اکحل خوانند (همان، ۶۵)؛

«باره» به جای «بار»: ثواب وی دویاره [مَرَّئِن] دهیم (نسفی، ج ۲، ص ۷۹۴)؛

«بانگه» به جای «بانگ»: عیسی... گفت پیش از آن که خروه بانگه کند، یکی از شما کافر شود و مرا

به درمی چند بفروشد (ابوالفتح رازی، تفسیر، ۳۴۷/۴، حاشیه، نسخه بدل «لب»):

ترجمه جزء پنجم قرآن (قرآن ۲۰۰۲ مجلس) ۲۷

«راسته» به جای «راست»: گفتند آوردی تو به ما راسته (=حق)؛ یعنی به جد می گویی تو یا ابرهیم، یا
فا ما می بازی کنی، یا تواز بازی کنندگانی (ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۳۳)؛
«گزنده» به جای «گزند»: و ایشان نمی دانستند که از وی ایشان را همه گزنده بود (نسفی، ج ۲،
ص ۷۳۰، حاشیه، نسخه «ن»).

-ادغام:

سخت (=سخت تر) ۱۷، ۲۱ پ (در مقابل سخت عقوبت تر ۲۴ پ)؛ هیچیز ۳۶ ر.

جملات استفهامی

نکات قابل توجه درباره جملات پرسشی موارد زیر است:

-کاتب در برابر نشانه های استفهام عربی، هیچ کلمه ای را قرار نداده است و جمله را با آهنگ، پرسشی
نموده است، مانند: نه بینی سوی آنکسانی کبدادند ایشانرا بهره از کتاب می خرنند بی راهی را و میخوانند
که گم شوند از راه ۱۰ پ؛ نه می بینی سوی آنانک گفتند ایشانرا فرودارید دستها شما و پهای دارید نماز را...
۲۰ ر؛ اگر باشد شما را فتحی از خدای گویند نه ما بودیم با شما ۴۶ پ.

-کاتب از کلمات پرسشی جرا (=چرا)، جه (=چه)، و یا استفاده کرده است، مانند: وجه بود شما را
که کارزار نمی کنید در راه خدای و آنک باشند ضعیفان از مردان و زنان ۱۹ ر؛ جه بوذست ای گروه را
کنه خوانندی کدریاوندی سخنی ۲۲ پ؛ گویند در جه بوذی^۱ گویند بوذیم بیچارگان در زمین. گفتند: یا
نه بود زمین خدای فراخ که هجرت کردید در آنجا ایشان اند ۳۰ ر؛ گویند خداوند ما چرا نبشتی بر ما
کارزار چرا نه بازگذاشتی ما را ۲۱ پ؛ یا درنه اندیشند در قرآن ۲۳ پ؛ یا می خواهید که راه نمایید آنرا که گم
کرد آنرا خدای ۲۵ ر؛ یا می جویند نزدیک ایشان عزیزی؟ ۴۵ پ.

کلمه پرسشی «یا» در دیگر متون کهن فارسی نیز کاربرد دارد به عنوان نمونه در ترجمه و قصه های
قرآن (ج ۲، صص ۷۵۰ و ۸۴۱) دیده می شود (در این باره رک. متینی، ۱۳۴۸، صص ۱۱۲-۱۳۴).

^۱ = بوذید.

ضبط چند کلمه مطابق یا نزدیک به صورت کهن

جُد ا، ۱۳، و غیره و نیز جد ۲۳ پ (در پهلوی: Jud)؛ نه تَوَاند ۲ پ و نیز تَوَانا ۴۳ پ و موارد دیگر
 (توان در پهلوی: tuwān و توانا در پهلوی: tuwānāg)؛ بازارگانی (=بازرگانی، در پهلوی: wāzargānīh)
 ۴ پ؛ پادشا (در پهلوی: (y)pādxšā) ۷ پ؛ فریسته (در پهلوی: frēstag) ۳۰ ر؛ نبشتن (در پهلوی:
 nibištān) ۲۱ پ؛ و سپرده (در پهلوی: abespurdan) ۲۷ ر.

روش کار

در بازنویسی این متن، اتصال و انفصال کلمات بر اساس نسخه اصل مراعات شده و اگر دیده می‌شود
 که یک کلمه به دو صورت نوشته شده مربوط به رسم الخط نسخه است، در ضمن کلماتی که دارای حروف
 پ، چ و گ بوده به صورت متداول نگاشته شده و کلیه ذال‌های معجمه (به‌غیر از جُد) در متن دال نوشته
 شده است. کلماتی که در آنها به جای «آ»، «ا» آمده به صورت متداول ضبط شده‌اند. گاهی کاتب در ثبت
 نقطه امساک کرده که در این نوشته، نقطه‌ها گذاشته شده است. در آیاتی که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» وجود دارد
 و در ترجمه «آمنوا»، «بگروید» آمده، «بگرویدید» ثبت کردیم. اگر کلمه‌ای در نسخه مشکوک بوده به
 همان شکل ضبط شده است. کلماتِ انج، چنانج، هرج به صورتِ آنچه، چنانچه و هرچه ثبت شده است.

تهران- ۱۳۹۱

(با بازنگری چند سطر

پیش از چاپ، در ۱۳۹۷)

فهرست واژگان و معادل‌های مهم

ایستندگان بداد: قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ ۴۳،	آتش سوزنده: سعیرا ۱۳،
ای گروه (= این گروه): لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ ۲۱،	آدمی: الْإِنْسَانُ ۳،
بازارگانی: تِجَارَةً ۴،	آرزوها در پیش ایشان نهم: لَأَمْتَنَّهُمْ ۳۸،
بازگردانیم آن: فَزَرَّهَا ۱۱،	از پس پشت شما: مِنْ وَرَائِكُمْ ۳۲،
باز می‌زنند شما: تُثَبِّتُونَ عَنْهُ ۴،	از فروز: مِنْ ذَوِيهِ ۳۸،
ببست دستها شما: عَقَدَتْ أَيْدِيَكُمْ ۵،	از نزدیک: مِنْ عِنْدِ ۲۳،
بخیلی: الشُّحُّ ۴۱،	افزونی: طَوْلًا ۲،
بخیلی می‌کنند: يَتَخَلَّوْنَ ۷،	افسوس کنند: يُسْتَهْزَأُ ۴۵،
بدشمنان: غَدَوَانًا ۴،	اگر: لَوْ ۹، ۳۳،
بدینار: رِثَاءَ ۷،	اگر (= یا): أَوْ ۳۵،
بدیس ^۲ (اصل: بدس) دهد ایشانرا: يُعْطِيهِمْ ۳۸،	

۲. حذف n پس از مصوت بلند جـ/ عـ « در متن دیگری نیز دیده می‌شود: «بری» به جای «رین»: فهر تو بر هشت بری کر علم زبند/ در وقت، روضه‌ها شودش خاک‌دانها (محمود کاتب، شصت و یک).
 ۳. احتمالاً این کلمه مبدا «دشمنانی» است، در فرهنگنامه قرآنی (ج ۳، ص ۱۰۱۱) در ترجمه عدوان در قرآن‌های شماره ۸۸ و ۵۳ «دشمنانی» آمده است. البته «دشمنان» در ترجمه البغضاء در ترجمه و قصه‌های قرآن (ج ۱، ص ۹۶) نیز دیده می‌شود: به‌درستی که پیدا می‌آید معنی دشمنان (=البغضاء) از دهن‌های ایشان.
 ۴. «بدیس/ بدیس» در بخشی از تفسیری که به پارسی در موارد متعدد، در ترجمه زبند و مشتقات آن به کار رفته است و دو گونه اعراب حرکت دارد: بدیس (ص ۹۵)، بدیس (ص ۱۳۲)، بدیس (ص ۱۰۶). از بدیس و کشیش ما ناگاه و ناگور فیندهاند (بخشی از تفسیری که به پارسی، ص ۱۰۸)، جُز کردن نیست سفتان خنایا و بدیس‌ه‌ا او را (همان، ص ۱۱۲)، اِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ خدای شما را وعده داد هشت بزرگ اسلام بدیس درست راست و وعَدْتُكُمْ و من شما را بدیسی دادم زیستن بر کفر بدیس کر دادم (همان، ص ۲۵۰).
 در قرآن قدس این کلمه به صورت‌های بدس (ر-خزیر، ص ۲۷۱)، بدس‌ردار (ص ۲۹۸)، بدس بردن (ص ۲۸۶)، بدس‌ردگان (بدس‌رده = مُنْذَر) (ص ۲۹۵) به کار رفته است.

۱. در اصل: افسوس کنید.
 ۲. اگر در معنی یا در برخی متون که دیده می‌شود: به هر سونی که بیرون شوی، اگر (= یا) خشکی یا به دُزیا... (تفسیر قرآن پاک، ۱۱۸)؛ آن‌که خلغ، فسخ بود اگر (= یا) طلاق؛ شافعی را دو قول است (تاج‌الترجم، ج ۱، ص ۲۵۱).

۳۰ متون ایرانی

بدسازی ^۱ : نُشُوراً ۴۱پ،	بهامانان: الصَّالِحِينَ ۱۸پ،
برخورداری گیرید: اسْتَمْتَعْتُمْ ا،	بسامان شدند: أَضْلَحُوا ۴۷ر،
برخیزندا: فَلْتُمْ ۳۲ر،	بستر جایگاهها: الْفُضَّاجِع ۶پ،
برراهتر: أَهْدَى ۱۲ر،	بسندکار ^۳ شوید: تَرَاضَيْتُمْ ا،
برگشتن: مَبِيلَةً ۳۳پ،	بپسندیده بود: كَفَى ۲۲ر،
برگشتی: إِغْرَاضاً ۴۱پ،	بسنگ: وَمَقَالَ ۸ر،
بریده: الْفَرِیضَةُ ا،	بشنو کی ممشو یا: اسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ ا،
بزرگوار: كَرِماً ۴ر،	بکشندا او را: قَتَلْتُمْ ۱۹ر،
بزی کند: يَنْكُحْ ۲پ،	بکردید گشتی بزرگ: أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا ۳ر،
بزه: الْقَتْلُ ۳پ،	بکرویدی: آمَنُوا ۲۹پ،
بزه: إِثْمًا ۱۱ر،	بگشتن: مُحِیصًا ۳۹پ،
بزه: إِثْمًا ۳۵ر،	بقدار نشان پشت حسنه خرما: قَبِیرًا ۳۹ر،
بزه: اِثْمًا ۱۲پ،	بنفرید او را: لَعْنَةُ ۲۹پ،
	بنفرین کرد او را: لَعْنَةُ ۳۸پ،
	بنیکوای: بِالْمَعْرُوفِ ۲ر،

این لغت در تفسیر ششگوشی (ص ۲۶۴) (با ابدال د به ر) به صورت «مرست می‌بندی» به معنی می‌ترسانید، در ترجمه ثوبیون آمده است (رک. تفضل ۱۳۶۰، صص ۵۳۴-۵۳۵) بنا به تحقیق دکتر احمد تفضل در «هلوی لغت» «تحدید کردن» به صورت «بدست (padist) بردن» به کار می‌رود و padist-bar به معنی «تحدیدکننده» به کار رفته است (هائجا). ریشه این لغت از *dais «نشان دادن» است که پیشوند -apa* به ابتدای آن افزوده می‌شود (چونگ، ۵۲) (اشاره شفاهی استاد ارجمند دکتر حسن رضایی باغبیدی).

۱. «بدسازی» در متون دیگر نیز دیده می‌شود: آن زمانی که دانید بدسازی ایشان... چنان شوید از ایشان در بسترها اگر باصلاح آیند (ترجمه و قسمه‌های قرآن، ج ۱، ص ۱۳۳)؛ نیزود ایشان را مگر زمین... به گردن کنی در زمین... و بدسازی و دستان‌گری (کشف‌الاسرار، ج ۸، ص ۱۸۴)؛ این زن... دست از داشتن و شستن و خورد و خواب ایشان برداشت و از بدسازی به جایی رسید که یوسف از او به‌جان آمد و ستوه شد (سیرالملوک، ۲۴۹).

۲. «بزه» در سایر متون نیز دیده می‌شود: به‌درستی که آن بود بزه‌ای بزرگ (ترجمه‌قصه‌های قرآن، ج ۱، ص ۱۲۵)؛ می‌رسند تو را سبکی و قزار. بگو: اندر آن هر دو بزه‌ای است بزرگ‌تر است و منفعت‌هاست مردمان را (بخشی از تفسیری کهن به پارسی، تصحیح روشن، ۱۵۵).

۳. «بسندکار» در متونی چون شرح تعرف، تذکره‌الاولیا، بخشی از تفسیری کهن به پارسی دیده می‌شود: «ارضا به» را معنی دو باشد: یکی آن‌که به کرد او بسندکار باشی (شرح تعرف، ج ۳، ص ۱۲۶۲)؛ یا خدای به موافقت باید کردن و به هرچه وی کند بسندکار باشی. (تذکره‌الاولیا، ج ۲، ص ۱۰۵)؛ خشنود شد الله از ایشان و بسندکار ایشان را و خشنود شدند ایشان از او و بسندکار او را (بخشی از تفسیری کهن به پارسی، ص ۸۷).

ترجمه جزء پنجم قرآن (قرآن ۲۰۰۲ مجلس) ۳۱

بیابنا: لَتَأْتِ ۳۲،	جذ از: غَرَّ ۱۳،
بی راه کنند ترا: يَضْلُوكَ ۳۶،	جذ از: غَرَّ ۴۵،
بیکسو نشوند از شما: لَمْ يَغْتَرِلُوا ۲۷،	جرا نبشتی: لَمْ كَتَبْتُ ۲۱،
پادشا شد دستهای شما: مَلَكْتُ أُنَاكُمْ ۲،	جن: فَاذَا ۳۳،
پادشاهست: مَلَكْتُ أُنَاكُمْ ۱،	جن: كَ ۴۲،
پایبانی: كَيْفَل ۲۴،	جیز اندک: قَلِيلًا ۲۱،
پس روی کردی: لَاتَّبَعْتُمْ ۲۴،	چشم می دارند: يَتَرَبَّصُونَ ۴۶،
پلیدی: فاحشة ۲،	حدث کردن: الْغَائِطِ ۹،
ترسید: خَشْيَةً ۲۰،	در پذیرفت: تَوَلَّى ۳۷،
تن تو: شَسَكْتُ ۲۴،	دروایشان: الْفَسَاكِينِ ۷،
ثونا: قَدِيرًا ۴۳،	درواوندی: يُفْقَهُونَ ۲۲،
ثونا: مُقِيمًا ۲۴،	

جذز (= جزاز) خدای: غَرَّ اللَّهُ ۲۳،

جذاز: ما وراء ۱،

۱. در اصل: بویکسو.

۲. «جد» در متونی چون تفسیر شفتی، قرآن قدس (در غام موارد)، ترجمه قرآن موزه پارس، ترجمه مقامات حریری و کشف الاسرار دیده می شود: مخورید خواسته های یک دیگران را میان شما بستم و غضب و کوی زور و شوکت دوزخ و جد از آن (تفسیر شفتی، ص ۱۰۹): گراگر (=برابر) نیند نشستاران از مؤمنان، جد (=جز) خداوندان مضرت و محادکاران درده خدای به مالها ایشان و نفسها ایشان (قرآن قدس، ج ۱، ص ۴۰)، ای (=یا) جد (=جز) خدای کیرم (هان، ج ۱، ص ۶۶) و موارد دیگر.

کروه فرعون بنی ترسند جذاز خدای را پرسند (ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۹۱): درمرسان به ما جد کردن (ترجمه مقامات حریری، ص ۸۳): [سلیمان] گفت: تخت [بلقیس] را [چنانکه هست] جد کنید [آزان گویند که او شناخته است] (کشف الاسرار، ج ۷، ص ۲۱۸).

۳. در بخشی از تفسیری کهن همه جا «جد» با ذال دیده می شود، برای نمونه: این قرآن... سخن کس جزاز خدای نیست (ص ۱۲۰). «جد» در الابییه نیز دیده می شود: پنج انگشت چیزی دگرست و او را فقد خوانند بتازی و این جذاز آست و این لطیفست و تحلیل کند (ک ۱۹۹). «جذاز» درقرآن شماره ۵۹ در فرهنگنامه قرآنی (ج ۲، ص ۷۴۰) نیز دیده میشود: ثوبه: جذاز. این واژه در ترجمه و قصه های قرآن (ج ۲، ص ۸۵۱، حاشیه) نیز به کار رفته است: «و از ایشان کس بود که چشم می داشت [حرب دیگر را]. و جذ (متن: جذ) نکردند [عهد خدای را] بدل کردن».

۴. «جن/چن» در سایر متون کهن نیز دیده می شود: چن این داستانها شنیدم ز تو/ بسی لب به دندان گریدم ز تو (شاهنامه، ج ۲، ص ۱۲۳): من این را و همی ندانم جز محکم شدن حاقق و سپین این چن بسیجین مر پدید آمدن دروغشان (الفهم، ص ۵۳۸)، مثلاً او، راست چن مثل سگ است، از بروی حمله بری و پورا بر تاختن داری زغان از دهان بیرون افکند (بخشی از تفسیری کهن به پارسی، ص ۲): الحما و الموات: آن چه نژاید چن سنگ و جز او (تکملة اصناف، ۱/ ص ۹۳): آن آب کینه به روشنی چن سیم بود (ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۳۸۶): جن بهوش بازآید، بنگردن کی سبب کدام اندام بودست، همان اندام را علاج کنند (هدایة الملتعلمین، ص ۳۴۴).

۳۲ متون ایرانی

دست فراکرده باشید فرا: لامتسّم ۹ر،	فرا یافت: افتری ۱۱ر،
دوگروه شذی (= شدید): فِتَتین ۲۵پ،	فراخ کار: وایعاً ۴۲پ،
دیتی سبرده (فدیة مُسَلَّقة) ۲۸پ،	فروذ: دُون ۳۷ر،
دیگر گردانیم: بَدَلنا ۱۳ر،	فروذ: دُون ۱۱ر،
دیو: الشَّیطان ۱۵ر، ۲۰ر	فریستگان: الفَلايكة ۳۰ر، ۴۴ر،
دیو گردن کش: شَیطاناً مَریداً ۳۸پ،	ک: اِنَّ ۴۵ر،
دیو وی راهی: الطَّاعُوت ۲۰ر،	کارزا ^۲ می کنند: یقاتلون ۲۰پ،
دیه و سبرده ^۱ (= دیة مُسَلَّقة) ۲۷ر،	کارزار کنی: قَلْبائِل ۱۹پ،
راست کار: حَکماً ۳۴پ،	کاوینها: اُجور ار،
راه گذری: اِبن السَّییل ۷پ،	کشنده نازنده: مُختالاً فَخُوراً ۷پ،
روی گرد از ایشان: فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ ۲۳پ،	کوشندگان: المُجاهِدین ۳۰پ،
زنان بسمان: قَالصَّالِحَاتُ هُو،	که: اِنَّ ۵پ،
ساخته کند: یُوقِق ۶ر،	کردن نهد و سبارد روی خویشرا بخدای: اَسَلَمَ وَنَحْمَهُ لِلَّهِ ۴۰پ،
سست: ضعیفا ۳ر،	کردن نهند: یُسَلِّفُوا ۱۷پ،
شب گذارند و سکاوند: یَبْتَ ۲۲ر،	گرویدگان ^۳ : الْمُؤْمِنَات ۲پ،
شماردار: خسیاً ۲۵پ،	گرویده: مؤمن ۲۸پ،
شوی مندان ^۲ : الْمُخَضَّنات ۱پ،	
عمدا: مُتَعَقِّداً ۲۹پ،	

^۱ کارزا در متون دیگر نیز به کار رفته است: «کارزا نکردندی»، در ترجمه مائقتل (فرهنگنامه قرآنی، ج ۱، ص ۲۱۰، قرآن های ۶۳ و ۶۴): «کارزا کشید» در ترجمه قاتلوا (همان، ج ۳، ص ۱۱۲۶، قرآن ۴۵): «کارزا کنندگان» در ترجمه مجاهدین (همان، ج ۳، ص ۱۳۱۶، قرآن ۳۰) و جزان. ^۲ «الف» در اینجا نشانه هنده مصوت ه است که در تاج التزاج نیز دیده می شود: ای آن کسانی که ایمان آورده اید باشید استیباکان بعدل، گواهانی خدای را نه روی مردمان (تاج التزاج، ج ۲، ص ۵۳۹).

^۱ این لغت در بخشی از تفسیری کهن به پارسی دیده می شود: ایشانرا آرام خواهم داد و مساکن دشمنان ایشان خواهم وُشَبَرَد (ص ۱۳۴)، کار باو وُشَبَرَد ... و کار وُشَبَران کار باو وُشَبَراند (همان، ۲۰۵). ^۲ «شوی مند» در کشف الاسرار (ج ۲، ص ۴۵۶) دیده می شود: حرام است بر شا زنان شوی مند.

- گیاشتگان: قَوَّامُونَ ۵ر، نه که: بل ۱۲پ،
- گناهان بزرگ: کَبَائِرُ ۴ر، نه ایوی: قُلْتُ نَجِدَ ۱۲ر،
- گیرندگان دوستگنان: وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ ۲ر، نیک رسیده: بَلِغاً ۱۶پ،
- مراعات کنی ما را: رَاعِنَا ۱۰ر، واجب کرد (= واجب کرده): مَقْرُوضاً ۳۸پ،
- مقدار پوستی که در شکاف حسته^۱ خرما باشد: فَتِيلاً ۱۲پ، واجب کرده: قَرِضَةً ۱ر،
- مقدار قطعه کبر پشت حسته^۲ خرما باشد: تَقِيراً ۱۳پ، وعده دهد ایشانرا: يُوَدِّعُهُمْ ۳۸ر،
- مورچه خرد: ذَرَّةٌ ۸ر، ویژه کردند: اَخْلَصُوا ۴۷ر،
- می سگالیدند: يَتَّبِعُونَ ۳۵پ، وی گناهی: بَرِيئاً ۳۶پ،
- نزدیکی مکنی به: لَا تَقْرُبُوا ۹پ، هرج جز از خدای: الطَّاغُوتِ ۱۲ر،
- نصرت کن: نَصِيراً ۱۰پ، همسایه خویشان: الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى ۷پ،
- نفرین کرد ایشانرا: لَعْنَهُمْ ۱۱پ، همیشه سایه: ظَلِيلًا ۱۴پ،
- نگاهداری: خَفِيفًا ۲۲ر، یا: أ ۴۵پ،
- نگاه دارند: لِيَأْخُذُوا ۳۲ر، یاری که محلو توسل: الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ ۷پ،
- نکونپار کرد ایشانرا: اَرْكَسَهُمْ ۲۵پ، یانه بینی^۳: أَلَمْ تَرَ ۱۲پ،
- نکونسار دراو کنند: اَرْكُسُوا ۲۷پ، یک دو گرداند آترا: يَضَاعِفُهَا ۸ر.

نه پلیدان و زنا کنندگان: غَيْرُ مُسَافِحِينَ ۱پ،

نه تواند: لَمْ يَشْتَغِلْ ۲پ،

^۱. «یا» به جای آیا در دیگر متون کهن نیز دیده می شود:
 (ا) (= آیا، در ترجمه آ استفهام) می وعده کند شما را که شما چون
 بپروید و گردید خاکی و استخوانی ریزده، شما بیرون آمدگان باشید از کور؟
 (ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ۱۰۷۴، حاشیه): (ا) (= آیا، ترجمه آ استفهام)،
 می بیوسید که ایشان باور دارند شما را (ترجمه و قصه های قرآن، ج ۱،
 ص ۱۳) (رک. متنی ۱۳۴۸، صص ۱۱۶ و ۱۲۱).
^۲. «یک دو» در معنی مضاعف در متون دیگر نیز به کار رفته
 است: گفت پسین ایشان به پیشین ایشان، خداوند ما ایشانند که کم کردند
 ما را، بیارشان عذاب یک دو (ضعفاً) از آتش (ترجمه تفسیر طبری، ج ۲،
 ۵۰۲): ده ایشان را عذابی یک دو از آتش (قرآن قدس، ج ۱، ص ۸۵).

^۱. «حسته» در ترجمه تفسیر طبری به کار رفته است: خدای
 پاکیزه کند آن را که خواهد و نه ستم کرده آید به شکاف حسته ای
 (حسته ای) (ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۳۰۰).
^۲. «حسته» (حسته) در متونی چون ترجمه تفسیر طبری (ج ۲،
 ۳۰۷)، قرآن قدس (ج ۱، ۷۴) و صیده (ج ۵۹۸، ۲) دیده می شود.